بنام آنكه بيم از اوست و اميد از او نخستين گفتار كردگار اينست با سينهٌ پاك از خواهش و آلايش و دل پاكيزه از رنگهای آفرينش پيش دانا و بينا و توانا بيائيد و آنچه سزاوار روز اوست بياريد. امروز روز ديداراست چه كه يزدان بی پرده پديدار و آشكار بجان پاك بشتابيد شايد برسيد و بآنچه سزاوار است پی بريد . از آب پرهيز كاری خود را از آز و كردارهای ناشايسته پاك نمائيد تا راز روز بی نياز را بيابيد. روشنی نخستين در روز پسين پديدار بسه چيز ديدار دست دهد و رستگاری پديدار شود پاكی دل و ديده و پاكی گوش از آنچه شنيده . بگو ای دوستان راه نما آمد گفتارش از گفتارها پديدار و راهش ميان راهها نمودار راه راه اوست بيابيد و گفتار گفتار اوست بشنويد . امروز ابر بخشش يزدان ميبارد و خورشيد دانائی روشنی ميبخشد و بخود راه مينمايد، جوانمرد آنكه راههای گمان را گذاشت و راه خدا گرفت . ای دوستان دست توانای يزدان پرده های گمان را دريد تا چشم ببيند و گوش از شنيدن باز نماند. امروز روز شنيدن است بشنويد گفتار دوست يكتا را و بآنچه سزاوار است رفتار نمائيد. از گفتار پارسی بگفتار تازی آغاز نموديم . يا ايّها المقبل، اسمع النّداء انّه ارتفع فی سجن عكاء و يدع العباد الی اللّه مالك الايجاد. تفكر فيما ظهر لتری ما لا رأت عين الابداع انّ ربّك هو العزيز الفضّال . ايّاك أن يمنعك ما فی العالم عن مالك القدم دع الظّنون و مظاهرها والاوهام و مشارقها مقبلاً الی اللّه مالك المبدأ و المآب. هذا يوم البصر لأنّ المنظر الأكبر تشرّف بانوار ظهور مالك القدر الّذی أتی من سماء البيان بالحجّة و البرهان و هذا يوم السّمع قد ارتفع فيه صرير القلم الاعلی بين الأرض و السّماء . اسمع و قل لك الحمد يا مقصود العالم و لك الثّناء يا مالك الرّقاب .

 )يا ايّها السّائل ) امروز نور ناطق و نار متكلّم و خورشيد حقيقی مشرق . جهد نما شايد فائز شوی بآنچه سزاوار يوم ‌اللّه است . اگر در آنچه ظاهر شده تفكر نمائی خود را غنی و مستغنی از سؤال مشاهده كنی. حقّ مقدّس است از ظنون و اوهام و مشيّت و اراده انام با علم يفعل ما يشاء و راية يحكم ما يريد آمده حجّة و برهان فوق مقامات اهل امكان ظاهر فرموده آياتش در كتب و زبر و الواح موجود و مشهود و بيّناتش در سور ملوك و رئيس ظاهر و هويدا . ليس لأحد أن يجرّب الرّبّ انّه يمتحن العباد كيف يشاء. اگر فی الحقيقه ببصر انصاف در آنچه ذكر نموديم مشاهده نمائی و بسمع عدل اصغا كنی بكلمه مباركه، رجعت اليك يا مولی العالم منقطعاً عن الامم، ناطق شوی. بشنو ندای مظلوم را قدم از مقامات و ظنون و اوهام اهل امكان بردار و بر لا مكان گذار لتسمع تغرّدات طيور العرش و تغنّيات عنادل العرفان علی اعلی الاغصان . نسأل اللّه أن يؤيّدك و يوفّقك علی ما يحبّ و يرضی انّه مولی الوری و ربّ العرش و الثّری لا اله الّا هو الفرد الواحد العليم الحكيم . اذا اخذك جذب البيان من الافق الاعلی قل الهی الهی أشهد بوحدانيّتك و فردانيّتك و بعزّك و عظمتك و سلطانك أنا عبدك و ابن عبدك قد اقبلت اليك منقطعاً عن دونك و راجياً بدائع فضلك أسألك بأمطار سحاب سماء كرمك و باسرار كتابك أن تؤيّدنی علی ما تحبّ و ترضی . أی ربّ هذا عبد أعرض عن الاوهام مقبلاً الی أفق الايقان و قام لدی باب فضلك و فوّض الامور اليك و توكل عليك فافعل به ما ينبغی لسماء جودك و بحر كرمك . إنّك أنت المقتدر العليم ‌الحكيم . أشهد يا الهی بأنّك اعلم بی منّی قدّر لی ما يقرّبنی اليك و ينفعنی فی الاخرة و الاولی . إنّك أنت مولی الوری و فی قبضتك زمام الفضل و العطاء . لا اله الّا أنت الفضّال الكريم . البهاء علی اهل البهاء الّذين ما منعتهم ضوضاء الامم عن مالك القدم قاموا و قالوا اللّه ربّنا و ربّ العرش العظيم.